

## احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران

علی یوسفی، مزگان عظیمی هاشمی  
(تاریخ دریافت ۸۷/۳/۲۸، تاریخ پذیرش ۸۸/۳/۲۷)

چکیده: شهروندی حاصل رابطه دو سویه فرد و دولت است، این رابطه از یکسو متضمن وفاداری فرد به دولت و از سوی دیگر مستلزم حمایت دولت از فرد است. در مقاله حاضر برای مفهوم شهروندی، سه وجه اساسی منظور شده است: برابری مشارکتی، برابری قانونی و هویت سیاسی. عناصر مهم در بعد برابری مشارکتی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، در بعد برابری قانونی، حقوق توزیعی و فرصتی و در بعد هویت سیاسی، هم ذات‌پنداری با اجتماع ملی (دولت-ملت) و تعهد مدنی است. نتایج تحلیل ثانویه داده‌ها نشان می‌دهد: ۱. چهار بعد تجربی شهروندی از حیث سهمی که در تشکیل این مفهوم دارند به ترتیب عبارتند از: احساس برابری فرصتی، احساس برابری توزیعی، احساس هویت سیاسی و سپس احساس برابری مشارکتی. ۲. شدت احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری مشارکتی، فرصتی و توزیعی در حد متوسط و احساس هویت سیاسی در بین مردم بالاست. ۳. شدت احساسات چهارگانه شهروندی در بین رده‌های مختلف قومی، مذهبی، تحصیلی، شغلی و... کشور نزدیک به یکدیگر بوده و تأثیر رده‌بندی‌های اجتماعی بر احساسات شهروندی به‌طور کلی ضعیف است. ضعف احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری فرصتی، توزیعی و مشارکتی و بالا بودن وفاداری سیاسی، از یکسو دلالت بر کسری ذخائر مشروعیت مدنی حکومت دارد و از سوی دیگر نشان از وجود دیگر ذخائر مشروعیت به‌ویژه ذخائر مشروعیت دینی دارد که علی‌رغم ضعف عملکردی حکومت در تأمین حقوق شهروندی، وفاداری به حکومت را در نزد شهروندان محفوظ نگه می‌دارد. در واقع ذخائر دینی مشروعیت حکومت در ایران، کسری ذخائر مشروعیت مدنی را جبران می‌کند.

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص. ۳-۲۳

### بیان مسئله شهروندی

شاید این نکته از لحاظ نظری پذیرفتنی باشد که شهروندی شرط تحقق مردم‌سالاری است و به لحاظ عملی نیز دشوار است تصور نمود که یک نظام سیاسی بدون تحقق شهروندی، می‌تواند مردم‌سالار شود. در واقع این دو با یکدیگر تحقق پیدا می‌کنند. نکته اساسی و مهم در تحقق شهروندی و مردم‌سالاری، وجود قواعد مساوات طلبانه‌ای است که رابطه دولت و افراد را تنظیم می‌کند. در نظام نوین‌پاد جمهوری اسلامی ایران که ذخائر دوگانه دین و مردم، اساس مشروعیت سیاسی آن را تشکیل می‌دهند، به میزان تحقق شهروندی، ذخائر مشروعیت مدنی برای حکومت فراهم می‌گردد و به میزانی که از ذخائر مدنی حکومت کاسته شود، حکومت ناگزیر از مصرف ذخائر دینی برای دوام خود خواهد بود و این امر در درازمدت، استحکام دینی حکومت را دچار فرسایش می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۰). اگرچه در چند سال اخیر در ایران شهروندی، موضوع چندین مطالعه محدود حقوقی (نجاتی حسینی، ۱۳۷۸، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵)، تاریخی (توسلی و نجاتی، ۱۳۸۳) و تجربی (ذکایی، ۱۳۸۰؛ ایمانیان اردبیلی و اسکافی، ۱۳۸۵؛ قاعدی ۱۳۸۵؛ کاظمی، ۱۳۸۶؛ شیانی، ۱۳۸۴، ۱۳۸۲؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵؛ لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳) قرار گرفته و برخی از ابعاد این مفهوم روشنی یافته است، لکن بررسی‌های انجام شده، عمدتاً به سنجش میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی (در برخی از شهرهای بزرگ یا در بین جوانان اعم از دانشجویان و دانش‌آموزان) اختصاص داشته است، همچنین برخی از آثار به تأثیر زمینه‌های ساختاری همانند دسترسی به منابع و برخورداری از امکانات با آگاهی به حقوق و وظایف شهروندی پرداخته‌اند (شیانی، ۱۳۸۴). برخی آثار نیز با رویکرد برنامه‌ریزی آموزشی به شناسایی نقاط ضعف در شناخت حقوق و وظایف شهروندی و محورهای مورد نیاز برای آموزش معطوف شده‌اند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵؛ لطف‌آبادی و نوروزی ۱۳۸۳). لذا با عنایت به این‌که هیچ تصویر تجربی روشنی از مفهوم شهروندی در مقیاس ملی ترسیم نگردیده است، به نظر می‌رسد که انجام چندین پیمایش ملی از جمله پیمایش انسجام اجتماعی در ایران<sup>۱</sup>

۱. پیمایش ملی انسجام اجتماعی در ایران در فاصله سال‌های ۴-۱۳۸۳ در ۲۸ مرکز استان کشور توسط نگارنده برای وزارت کشور به انجام رسیده است. داده‌های پیمایش مذکور براساس مصاحبه حضوری با ۱۵۱۶۱ نفر افراد ۱۵ ساله و بالاتر ساکن ۲۸ مرکز استان کشور که به روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای برگزیده شده‌اند، به دست آمده است.

(۴-۱۳۸۳) و فراهم آمدن داده‌های معتبر تجربی در کشور، مجال تحلیل ثانویه<sup>۱</sup> موضوعات گوناگون و از جمله شهروندی را در سطح ملی، فراهم نموده است. مقاله حاضر در صدد است با تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی انسجام اجتماعی، تصویری واقع‌نگار از احساسات شهروندی در مجموع مراکز استان‌های ایران ارائه دهد. این تصویر همچنین برآوردی از ذخائر مشروعیت مدنی حکومت در ایران (مراکز استان‌ها) نیز محسوب خواهد شد.

### پیشینه مفهومی شهروندی

سابقه مفهوم شهروندی به دولت شهرهای یونان باستان برمی‌گردد که برحسب آن به افراد وفادار به دولت، شهروند گفته می‌شده است. در دائرةالمعارف بریتانیکا آمده «مفهوم شهروندی در معنای مدرن آن ناظر به ارتباط فرد و دولت است که طی آن از سویی فرد مرهون وفاداری به دولت و از طرف دیگر، مستحق حمایت از جانب دولت است». در تعریف مذکور سه نکته اساسی وجود دارد: «۱. شهروندی منحصر به ارتباط فرد و دولت است؛ ۲. این ارتباط متضمن حقوق و تکالیف معینی است و ۳. شهروند وظیفه وفاداری به دولت را نیز برعهده دارد» (فری، ۲۰۰۳: ۹۶)

در حالی که در دیدگاه کلاسیک، شهروندی تنها حاکی از حس تعلق به دولت است در دیدگاه مدرن، مفهوم شهروندی به چهار زمینه اساسی تعمیم یافته است: «شهروندی موقت، چندجانبه، جزئی و چند لایه». در مورد اخیر شهروندی فقط منحصر به سطح ملی نیست و می‌تواند در سطوح پایین‌تر همانند استان، ناحیه، بخش یا سطح بالاتر از ملی نیز مطرح شود (همان). دیدگاه جدید شهروندی بر این باور است که تعمیم شهروندی امکان مشارکت و تولید خیر جمعی را فراهم می‌کند و افراد را آماده می‌سازد که در جهت منافع جمعی گام بردارند حتی اگر هم جهت با منافع فردی آن‌ها نباشد. به عبارت دیگر، شهروندی یک سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود که علاوه بر این که افراد را به مشارکت در خیر جمعی برمی‌انگیزند، سبب کارایی بیشتر آن‌ها در فعالیت‌های عمومی نیز می‌گردد.

عناصر سه‌گانه مذکور در تعریف جانوسکی (۱۹۹۷) از شهروندی روشنی بیشتری یافته است:

«شهروندی عضویت فعال یا غیرفعال افراد در ملت - دولت<sup>۲</sup> با حقوق و تکالیف عام‌گرایانه مشخص و در یک سطح مشخص از برابری است (جانوسکی، ۱۹۹۷: ۹). در تعریف

۱. تحلیل ثانویه (secondary analysis) به معنای تحلیل دوباره داده‌ها براساس مفهوم‌سازی جدید است.  
2. nation-state

جانوسکی، چهار نکته اساسی مطرح گردیده است:  
اول: شهروندی با عضویت در ملت - دولت شروع می‌شود.  
دوم: شهروندی دارای حقوق و تکالیف معینی است.  
سوم: حقوق شهروندی عام است. این حقوق شامل حقوقی است که در قالب قانون درآمده و برای کلیه شهروندان جاری است.

چهارم: شهروندی حاکی از برابری حقوق و تکالیف در محدوده‌ای خاص است (همان: ۱۰).  
ترنر (۱۹۹۰) در تئوری شهروندی دو متغیر تعیین‌کننده را تشخیص می‌دهد. اولین متغیر در ارتباط با خصوصیت انفعالی یا فعال شهروندی (در برابر دولت) و دیگری در ارتباط با عرصه عمومی و خصوصی در درون جامعه مدنی است (ترنر، ۱۹۹۰: ۱۸۹) به نظر ترنر شهروندی علاوه بر در اختیار گذاردن فرصت‌ها نوعی هویت فرهنگی خاص را برای فرد و گروه ایجاد می‌نماید (ترنر، ۱۹۹۳: ۲۶۵).

جیمز کلمن، و جوه چهارگانه شهروندی را با تأکید بر برابری حقوق، مورد توجه قرار داده است: «شهروندی» به‌طور ضمنی ناظر به این معناست که برابری اساسی انسانی از عضویت کامل فرد در یک جامعه سیاسی ملی ناشی می‌شود و در حقوق رسمی برابر تمامی شهروندان تجسم می‌یابد... (کلمن، ۱۳۸۰: ۱۲۳). کلمن وجود دو هنجار یا قاعده را برای تحقق حقوق شهروندی، حائز اهمیت می‌داند که عبارتند از: نظم حقوقی عام‌گرا و هنجار موفقیت.

«نظم حقوقی عام‌گرا به معنای برتری هنجارهای عام بر هنجارهای خاص در حوزه روابط حکومت با شهروندان است که برای تحقق حقوق برابر شهروندی امری حائز اهمیت است. این حقوق، مساوات در برابر قانون (برابری در حقوق یا امتیازات) را امری لازم می‌شمارد. این نکته نه تنها به مفهوم رویه رفتاری یکسان در مقام اجرای قانون و قضاوت بوده، بلکه بیانگر حق برابر دفاع و حمایت از تمامی دیگر حقوق‌هاست. و هنجار موفقیت به معنای اولویت هنجارهای اکتسابی بر هنجارهای انتسابی دراعطای نقش‌های سیاسی و دیوانی است. هنجارهای اکتسابی در کنار حق عمومی شهروندی درخصوص آموزش و پرورش، رعایت اصل برابری در فرصت اولیه را تضمین می‌کند. حق آموزش و پرورش در یک جامعه مدرن حائز اهمیت راهبردی است، زیرا اختصاص نقش‌های فوق‌العاده ارزشی در نظام قشربندی اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای بر اکتساب آموزشی مبتنی است (همان: ۴-۱۲۳).»

برحسب تعاریفی که در ادبیات سیاسی از مفهوم شهروندی به‌عمل آمده، سه عنصر اصلی را می‌توان در مفهوم شهروندی تشخیص داد:

۱. عنصر سیاسی دموکراتیک مشتمل بر مشارکت در تصمیم‌گیری به وسیله برابری‌های سیاسی (پوکوک، ۱۹۹۵؛ ارسطو، ۱۹۸۱؛ به نقل از کوهن، ۱۹۹۹: ۲۴۸).
  ۲. عنصر قضایی یا قانونی مشتمل بر حقوق مشخص قانونی و حمایت‌های قانونی برابر (پوکوک، ۱۹۹۵ به نقل از کوهن، ۱۹۹۹: ۲۴۹).
  ۳. و عنصر عضویت یا هویت سیاسی مشتمل بر وفاداری سیاسی، فضیلت و تعهد مدنی (بروبیکر، ۱۹۹۲؛ شاکلر، ۱۹۹۵؛ به نقل از کوهن، ۱۹۹۹: ۲۵۰).
- بر همین اساس نظریات شهروندی نیز از حیث تأکید بر این سه عنصر از هم متمایز می‌شوند: نظریات دموکراتیک به ابعاد مشارکت فعال، نظریات لیبرالی به حقوق فردی و برابری و نظریه پردازان اجتماعی به هویت جمعی و مسائل انسجامی شهروندی اهمیت بیشتری می‌دهند پوکوک، ۱۹۹۵؛ مارشال، ۱۹۶۴؛ ۱۹۹۵؛ تیلی، ۱۹۸۳؛ وازر، ۱۹۹۲ بروبیکر به نقل از کوهن، ۱۹۹۰).
- به طرز مشابهی، چانوسکی (۱۹۹۷) دیدگاه‌های سه‌گانه شهروندی را برحسب نظریه شهروندی مارشال، نظریه فرهنگ مدنی توکویل و نظریه جامعه مدنی گرامشی از هم متمایز می‌نماید:
- در نظریه مارشال تأکید عمده بر مشروعیت حقوق شهروندی اعم از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است. در نزد وی «حقوق مدنی ناظر بر آزادی در انعقاد قرارداد و مالکیت اموال (و بنابراین دلالت دارد بر برابری در مقابل قانون) و نیز آزادی تجمع، بیان و اندیشه است. حقوق سیاسی ناظر بر حق مشارکت در روندهای سیاسی (حق رأی و نامزد شدن در انتخابات) است و حقوق اجتماعی ناظر بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی است که به عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد» (فیتزپاتریک، ۱۳۸۱: ۴-۱۲۳).
- اگرچه مارشال الگوی مشروعیت حقوق شهروندی را با تأکید بر وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه انگلیس ترسیم نموده لکن نظریه وی توسط دیگر جامعه‌شناسان هم چون بندیکس (۱۹۶۴)، روکان (۱۹۶۶) و برایان ترنر (۱۹۸۶) مورد بهره‌برداری قرار گرفته و تقویت گردیده است.
- اما در نظریه توکویل، تأکید عمده بر فضیلت مدنی<sup>۱</sup> است. به عقیده وی غیر از حمایت قانون از شهروندی، جنبه دیگر شهروندی در فضای عمومی قرار دارد که حاکی از عضویت داوطلبانه فرد در گروه‌های خصوصی و غیر انتفاعی جامعه مدنی است، در حالی که داوطلب نشدن آنها

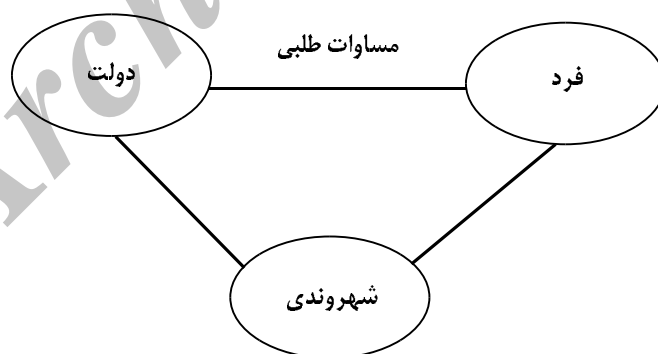
1. civic virtue

نیز مجازاتی از سوی دولت ندارد. داوطلب شدن و فضیلت مدنی، عناصر اصلی جامعه مدنی در انتقادات دو توکویل از جامعه اواخر دهه اول قرن بیستم است. به عقیده میشل والرز «علاقه‌مندی به مسائل عمومی و دلبستگی به اهداف عمومی علائم اصلی فضیلت مدنی می‌باشند. مطمئناً همه فعالیت‌های سیاسی شایسته لقب با فضیلت یا کمک به جامعه مشترک نمی‌باشند. پذیرش مداوم و تعقیب منافع عمومی به هزینه همه اهداف تماماً فردی و خصوصی را می‌توان معنی اصلی فضیلت مدنی نامید» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۷). دیدگاه توکویل نیز توسط جامعه‌شناسان مختلفی هم چون بلو و همکاران (۱۹۸۵)؛ اتزیونی (۱۹۹۳)؛ گالستون (۱۹۹۱)؛ والرز (۱۹۸۳)، والدرون (۱۹۸۱)، وات نو (۱۹۹۱) و اخیراً پاتنام (۱۳۸۰) مورد بهره‌برداری قرار گرفته و تقویت گردیده است.

اما نظریه گرامشی حد وسط نظریه مارشال و توکویل است و تأکید عمده آن بر تأسیس جامعه مدنی است که هم از سوء استفاده‌های دولت از جامعه جلوگیری کند و هم مانع طمع‌ورزی بازار باشد. بعد از فروپاشی کمونیسم، نظریه‌پردازانی هم چون هابرماس، با الهام از نظریه گرامشی درباره جامعه مدنی، نقش جنبش‌های اجتماعی در توسعه شهروندی و همچنین گسترش روابط دموکراتیک را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند. در مورد اخیر، الکساندر (۱۹۹۵) جامعه مدنی از غیر مدنی را برحسب دو نوع گفتمان دموکراتیک و غیر دموکراتیک متمایز نموده و معتقد است که گفتمان مذکور در سه سطح انگیزه‌ها، روابط و نهادهای اجتماعی رخ می‌دهد. انگیزه‌های کنشگران در گفتمان دموکراتیک: فعال‌گرایی، خودتنظیمی، عقلانیت، منطقی بودن، آرامش، کنترل خود، واقع‌گرایی و اعتدال و میان‌رویی است و در گفتمان غیر دموکراتیک: انگیزه‌ها انفعال‌گرایانه، وابستگی، توهم‌گرا (غیر واقع‌گرایی)، احساساتی، غیرعقلانی و تهییجی است. براساس چنین علائم و نشانه‌هایی، گفتمان روابط اجتماعی دموکراتیک: باز، اعتمادکننده، نقادانه، شرافتمندانه، وجدانی، شفاف، سنجیده و دوستانه است و در گفتمان غیر دموکراتیک روابط اجتماعی مبتنی بر پنهان‌کاری، شک و ظن، توجه به نفع شخصی، طمع‌ورزی، فریب‌کاری، حساب‌گری، توطئه و دشمنی است. گفتمان دموکراتیک در سطح نهادهای اجتماعی: مبتنی بر قانونمندی، حقوق، برابری، شمول‌گرایی، غیرشخصی و قراردادی است و در جامعه غیر دموکراتیک: مبتنی بر زور، دلبخواه و مستبدانه، سلسله‌مراتبی، غیر شمول‌گرایانه و شخصی است (الکساندر، ۱۹۹۵: ۱۹۷). برحسب نظریه الکساندر، مدنیت و به تبع آن جامعه مدنی را می‌بایست در هر سه لایه از گفتمان اجتماعی شامل انگیزه‌ها، روابط و نهادهای اجتماعی جست‌وجو نمود.

### چارچوب نظری شهروندی

اگرچه مرور سوابق شهروندی، اختلاف‌نظر و ابهام را در تعریف این مفهوم نشان می‌دهد، لکن تأکیدات کم‌وبیش مشترک در دیدگاه‌های مختلف شهروندی را می‌توان دسته‌بندی‌ای برای استنتاج و ارائه یک تعریف قابل دفاع از شهروندی قرار داد. در رویکردهای جدیدی که پیش از این مرور گردید، کم‌وبیش بر این نکته تأکید می‌شود که شهروندی اساساً محصول عضویت فرد در یک جامعه سیاسی ملی یا «ملت-دولت» است و در حقوق و تکالیف قانونی برابر برای همه اعضا تجسم پیدا می‌کند. به همین جهت اغلب صاحب‌نظران، شهروندی را برآیند ارتباط فرد و دولت دانسته و محتوای آن را برحسب کیفیت و چگونگی این ارتباط تعیین می‌کنند. به پیروی از کلمن، دو هنجار یا قاعده اساسی را می‌توان در تنظیم رابطه حکومت و شهروندان حائز اهمیت زیاد دانست: یکی عام‌گرایی به معنای اولویت دادن هنجارهای عام یا قانون بر هنجارهای خاص (ملاحظات قومی، مذهبی، خویشاوندی و...) در تنظیم روابط حکومت با مردم و دیگری هنجار موفقیت به معنای اولویت هنجارهای اکتسابی (صلاحیت‌های عملی هم‌چون تخصص و تجربه) بر هنجارهای انتسابی (ملاک‌های موروثی و غیر وابسته به عمل هم‌چون قومیت، مذهب، اصل و نسب و...) در واگذاری نقش‌های سیاسی و اداری. دو قاعده تنظیمی مذکور، اجزای اصلی حرکت به سوی برابری و تحقق شهروندی هستند؛ به عبارت دیگر حقوق شهروندی تنها در پرتو رابطه مساوات طلبانه و عادلانه دولت با افراد محقق می‌شود. الگوی ارتباطی فرد-دولت و شهروندی در شکل ۱ ترسیم گردیده است.



شکل ۱. الگوی ارتباطی فرد-دولت و شهروندی

رابطه دو سویه فرد و دولت از یکسو متضمن وفاداری فرد به دولت و از سوی دیگر مستلزم حمایت دولت از فرد است. وفاداری فرد از طریق انجام تکالیف و وظایف مدنی و حمایت دولت از طریق تأمین و پاسداری از حقوق شهروندی حاصل می‌شود. به‌طور کلی شهروندی را می‌توان متشکل از سه بعد اساسی دانست:

۱. بعد سیاسی دموکراتیک که متضمن برابری حق مشارکت در تصمیم‌گیری است. حقوق مشارکت به‌طور عمده شامل برابری حق رأی یا انتخاب نماینده سیاسی و حق انتخاب شدن است.

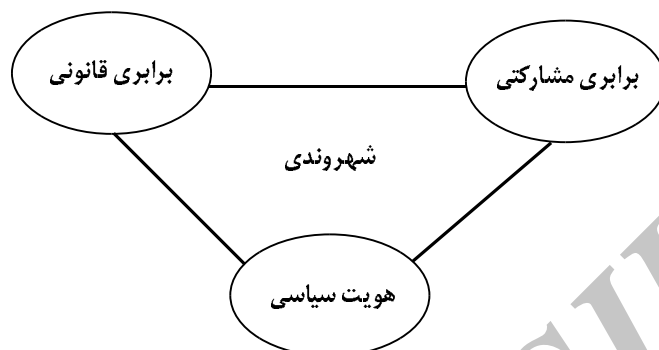
۲. بعد قضایی یا قانونی که شامل برابری در مجموعه‌ای از حقوق و حمایت‌های قانونی است اگرچه تقسیم‌بندی‌های عده‌ای از حقوق قانونی به‌عمل آمده است، لکن و جوهی هم‌چون برابری در «حقوق اظهاری» مثل حق آزادی بیان و عقیده، «حقوق مالکیت» یا کنترل بر دارایی‌های شخصی، «حقوق فرصت» به‌ویژه فرصت آموزش و «حقوق توزیعی» هم‌چون حق مسکن و بیمه، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان، حقوق اظهاری مشتمل بر حق آزادی بیان و عقیده، نسبت مفهومی نزدیکی با حق مشارکت دارد زیرا این حق، دلالت روشنی بر مفهوم «انتخاب و اختیار» دارد که اساس حق مشارکت را تشکیل می‌دهد و بی‌مناسبت نخواهد بود چنان‌که «حقوق اظهاری»، جزء حقوق مشارکت تلقی شود.

۳. و بعد هویتی یا عضویتی که مشتمل بر وفاداری سیاسی، فضیلت و تعهد مدنی است.

شهروندی همچنین مستلزم عضویت در ملت - دولت و احراز هویت سیاسی است. این عضویت برحسب ابراز وفاداری به دولت ملی و تعهد مدنی مشخص می‌گردد، علاقمندی به مسائل عمومی و تعقیب اهداف ملی از علائم اصلی فضیلت و تعهد مدنی محسوب می‌شوند. نکته مهم در مفهوم تعهد مدنی یا سیاسی، پذیرش و تعقیب منافع عمومی به هزینه شخصی است، بدین معنا که افراد نفع شخصی خود را در متن نیازهای عمومی تر تعریف نموده و بقای آن را به منافع دیگران پیوند دهند.

شهروندی با ابعاد سه‌گانه خود (برابری مشارکتی، برابری قانونی یا قضایی و هویت سیاسی) در چهارچوب رابطه دو سویه فرد - دولت، تعیین پیدا می‌کند. دولت، حمایت و مسئولیت خود را در قبال شهروندان با تأمین حقوق برابر قانونی و مشارکتی ایفا می‌کند و شهروندان نیز با ابراز وفاداری سیاسی و انجام تعهدات مدنی، عضویت خود را در اجتماع ملی یا ملت - دولت آشکار می‌سازند. الگوی ابعاد سه‌گانه شهروندی در شکل ۲ ترسیم گردیده است.





شکل ۲. نمودار ابعاد سه‌گانه شهروندی

ابعاد سه‌گانه شهروندی را برای مفهوم «احساس شهروندی» نیز می‌توان منظور نمود. بدین ترتیب احساس شهروندی، ترکیبی از احساس برابری قانونی، مشارکتی و هویت سیاسی است؛ در عین حال همچنان‌که پیش از این اشاره گردید هر یک از ابعاد سه‌گانه مذکور، خود متشکل از چندین عنصر اساسی به شرح جدول شماره ۱ خواهند بود.

جدول ۱. ابعاد و عناصر اصلی شهروندی

| ابعاد          | عناصر اصلی                                      |
|----------------|---|
| برابری مشارکتی | برابری در حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن        |
| برابری قانونی  | برابری در حقوق اظهاری، حقوق فرصتی و حقوق توزیعی |
| هویت سیاسی     | وفاداری سیاسی، فضیلت و تعهد مدنی                |

### روش تحلیل داده‌ها

مفهوم احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری قانونی، برابری مشارکتی و هویت (وفاداری) سیاسی برحسب داده‌های موجود با تکیه بر ۱۶ نشانه تجربی تحلیل گردیده است. درخصوص مفهوم هویت سیاسی (شامل وفاداری سیاسی، فضیلت و تعهد مدنی) بنابر محدودیت داده، وفاداری تنها با یک نشانه و فضیلت و تعهد مدنی نیز برحسب دو نشانه از هویت ملی که تا حدی متضمن تعهد مدنی نیز می‌باشد، تحلیل

گردیده است. برای تشخیص ابعاد تجربی مفهوم احساس شهروندی و روشن شدن تفاوت احتمالی آن با ابعاد نظری پیش‌بینی شده ابتدا ۱۶ جز تشکیل‌دهنده در یک تحلیل عاملی وارد گردیده است<sup>۱</sup>. برحسب تحلیل مذکور چهار عامل یا بعد اساسی استخراج گردیده که اسامی این عامل‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها در جدول شماره ۲ منعکس گردیده است<sup>۲</sup>.

برای توصیف تجربی شهروندی، نمره هر عامل<sup>۳</sup> به عنوان شاخص بعد تجربی شهروندی منظور گردیده است. به‌علاوه اعتبار سازه مدل تجربی مذکور نیز با استفاده از روش لیزرل برآورد گردیده و آماره‌های نیکویی برازش ( $GFI=0.81$ ،  $CFI=0.9$ ،  $NFI=0.9$ )، نیز مؤید مدل چهار عاملی مفهوم شهروندی است. با منظور کردن جذر ضرایب روایی مقیاس به عنوان شاخص اعتبار نظری وسیله اندازه‌گیری (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۷: ۱۲۹)، ضریب اعتبار نظری مفهوم شهروندی در ابعاد چهارگانه برابری فرصتی، توزیعی، مشارکتی و احساس هویت سیاسی به ترتیب عبارتند از: ۰/۹۳، ۰/۸۸، ۰/۸۷ و ۰/۹۱. این مقادیر همگی حاکی از اعتبار نظری نسبتاً خوب مدل مذکور برای سنجش احساس شهروندی در جامعه ایران (مراکز استان‌ها) است.

### یافته‌ها

در این بخش ضمن ارائه تصویری از ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان، توصیفی واقع‌نگار از ابعاد و عناصر احساس شهروندی در ایران (در مجموع مراکز استان‌ها) ارائه خواهد گردید و سپس وضعیت این پدیده در ابعاد مختلف در بین رده‌های مختلف اجتماعی مورد مقایسه قرار خواهد گرفت.

۱. در تحلیل عاملی اکتشافی شهروندی، از چرخش عاملی متعامد (به روش واریماکس) استفاده شده است. معمولاً برای ساده‌سازی و روشن شدن ساختار عامل‌ها از این روش استفاده می‌شود. براساس روش مذکور تعداد متغیرهایی که بارهای قوی در یک عامل دارند کمینه و واریانس مجذور بارهای عاملی هرستون بیشینه می‌شود (کلاین، ۱۳۸۰). با چرخش به روش متمایل نیز این تحلیل انجام گرفت و عوامل مشابهی استخراج گردید لکن از آن‌جا که نتایج روش چرخش متعامد روشن‌تر و تفسیرپذیرتر از روش چرخش متمایل بود، این روش ترجیح داده شد.
۲. عناصری که در مدل نظری تحلیل شهروندی در ذیل بعد احساس برابری قانونی (برابری در قانون، فرصت اجتماعی و توزیع امکانات) قرار داده شده بود، در تحلیل عاملی شهروندی در ذیل دو عامل یا بعد قرار گرفته است.

### 3. Factor score

### ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان

از مجموع ۱۵۱۶۱ نفر پاسخ‌گو ساکن ۲۸ مرکز استان کشور، ۵۰/۶ درصد مرد و ۴۹/۴ درصد زن هستند. از لحاظ وضع فعالیت، ۳۳/۵ درصد پاسخ‌گویان شاغل، ۳۰/۵ درصد خانه‌دار، ۱۸/۵ درصد محصل و دانشجو، ۱۲/۴ درصد بیکار و ۵/۱ درصد بازنشسته هستند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۳/۴ سال است و از لحاظ تحصیلی، ۳۴/۱ درصد تحصیلات زیر دیپلم ۴۵/۲ درصد تحصیلات دیپلم و ۲۰/۷ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. به‌علاوه ۳۷/۸ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۶۲/۲ درصد متأهلند. از لحاظ مذهبی، ۹۳/۹ درصد پاسخ‌گویان شیعه، ۵/۸ درصد سنی و ۰/۴ درصد نیز غیرمسلمانند. قومیت ۵۳/۵ درصد پاسخ‌گویان فارس، ۲۲ درصد ترک، ۱۰/۷ درصد کرد، ۷/۴ درصد لر، ۲/۳ درصد عرب، ۱/۸ درصد بلوچ و ۲/۳ درصد نیز متعلق به سایر اقوام کشور هستند.

### ابعاد تجربی احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران

برحسب نتایج تحلیل عاملی ۱۶ جزء یا متغیر تشکیل‌دهنده شهروندی، چهار عامل یا بعد تجربی برای این مفهوم به شرح جدول شماره ۱ استخراج گردیده که نتایج عمده آن به این شرح می‌باشد:

● بعد نخست شهروندی شامل شش جزء است که به ترتیب اهمیت یا سهم هر جزء در تشکیل بعد مربوط (بارعاملی) عبارتند از: برابری در گرفتن حقوق قانونی، برابری در مقابل قانون، برابری در اجرای قوانین، اولویت تجربه و تخصص (ملاک کارایی) در موقعیت‌های استخدامی دولت، توجه به شایستگی در واگذاری مسئولیت‌های دولتی و باز بودن راه ارتقای افراد شایسته. قرار گرفتن اجزای شش‌گانه مذکور در ذیل یک عامل یا بعد حاکی از تداخل و اشتراک معنایی آن‌هاست و نشان می‌دهد شایسته‌سالاری و برابری در فرصت‌های ارتقای اجتماعی، قابل تفکیک از برابری در اجرای قوانین و دسترسی افراد به حقوق قانونی نیست. برابری در فرصت، وجه اشتراک مفهومی این شش متغیر است و از این جهت، نام این عامل، «احساس برابری فرصتی» نهاده شده است.<sup>۱</sup>

● بعد دوم شهروندی شامل سه جزء است که به ترتیب اهمیت (بارعاملی) عبارتند از:

۱. در نام‌گذاری هر عامل، مضمون آن متغیری که در آن عامل، بالاترین بار عاملی (factor loading) را داشته، ملاک قرار گرفته است.

برابری در برخورداری از حق تأمین اجتماعی، حق تأمین مسکن و حق آموزش (رفتن به مدرسه و دانشگاه). هر سه عنصر دلالت روشنی بر توزیع خدمات اجتماعی دارند که مهم‌ترین آن‌ها حق تأمین اجتماعی یا آتیه است. بدین جهت نام این بعد از شهروندی، «احساس برابری توزیعی» نهاده شده که در مدل نظری شهروندی جزئی از مفهوم برابری قانونی منظور شده بود.

● اجزای بعد سوم شهروندی به ترتیب اهمیت عبارتند از: تمایل به زندگی در ایران، ادامهٔ تابعیت ایرانی، احترام گذاشتن به دولت و قوانین کشور که هر سه دلالت روشنی بر علاقه به عضویت در اجتماع ملی و وفاداری به ملت - دولت دارد و به همین جهت این بعد از شهروندی، «احساس هویت سیاسی» نامگذاری شده است.

● بعد چهارم شهروندی شامل چهار جز است که به ترتیب اهمیت شامل برابری در حق رأی (انتخاب کردن)، انتخاب شدن، حق آزادی عقیده و حق آزادی بیان (انتقاد از حکومت) است. از آن‌جا که هر چهار متغیر بر حق تصمیم‌گیری و اختیار افراد دلالت روشنی دارند، از این رو نام این بعد از شهروندی، «احساس برابری مشارکتی» گذاشته شده است.

● همچنین نتایج تحلیل عاملی اجزای شهروندی نشان می‌دهد که ۶۶/۲ درصد از تغییرات مشاهده شده شهروندی توسط چهار عامل یا بعد مذکور قابل توضیح و تبیین است. از این مجموع، سهم هر یک از عوامل یا ابعاد نامبرده در تغییرات شهروندی عبارتند از: عامل اول یا احساس برابری فرصتی: ۲۳/۹ درصد، عامل دوم یا احساس برابری توزیعی: ۱۴/۴ درصد، عامل سوم یا احساس هویت سیاسی: ۱۴/۲ درصد و عامل چهارم یا احساس برابری مشارکتی: ۱۳/۶ درصد.

به این ترتیب برای مفهوم احساس شهروندی در ایران (مراکز استان‌ها)، چهار بعد اساسی را می‌توان منظور نمود که به ترتیب اهمیت و یا سهمی که هر یک در تشکیل مفهوم شهروندی دارند عبارتند از: احساس برابری فرصتی، احساس برابری توزیعی، احساس هویت سیاسی و احساس برابری مشارکتی.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران

| ردیف | اجزای احساس شهروندی <sup>۱</sup>   | ابعاد احساس شهروندی    |                         |                      |                            |
|------|--|------------------------|-------------------------|----------------------|----------------------------|
|      |  | عامل اول: برابری فرصتی | عامل دوم: برابری توزیعی | عامل سوم: هویت سیاسی | عامل چهارم: برابری مشارکتی |
| ۱    | همه مردم به طور یکسان می‌توانند حق خود را از طریق قانون بگیرند                 | ۰/۷۹                   |                         |                      |                            |
| ۲    | همه در مقابل قانون، برابر هستند  | ۰/۷۸                   |                         |                      |                            |
| ۳    | قانون در مورد همه افراد به طور یکسان اجرا می‌شود                               | ۰/۷۸                   |                         |                      |                            |
| ۴    | در استخدام کارکنان دولت، ملاک اصلی تجربه و تخصص است                            | ۰/۷۲                   |                         |                      |                            |
| ۵    | ملاک اصلی در واگذاری مسئولیت‌های دولتی، شایستگی است                            | ۰/۶۶                   |                         |                      |                            |
| ۶    | راه پیشرفت و رسیدن به مقامات بالاتر، برای همه افراد تحصیلکرده باز است          | ۰/۵۸                   |                         |                      |                            |
| ۷    | همه مردم از حق مساوی برای تأمین اجتماعی (بیمه) برخوردارند                      | ۰/۸۲                   |                         |                      |                            |
| ۸    | همه مردم از حق مساوی برای خانه‌دار شدن (حق مسکن) برخوردارند                    | ۰/۷۶                   |                         |                      |                            |
| ۹    | همه مردم به طور مساوی از حق آموزش و پرورش (رفتن به مدرسه و دانشگاه) برخوردارند | ۰/۷۱                   |                         |                      |                            |
| ۱۰   | همه مردم به طور مساوی از حق رای (انتخاب کردن) برخوردارند                       | ۰/۷۵                   |                         |                      |                            |
| ۱۱   | حق انتخاب شدن (کاندیدا شدن)، برای همه مردم به طور مساوی وجود دارد              | ۰/۷۳                   |                         |                      |                            |
| ۱۲   | حق آزادی عقیده، برای همه مردم به طور یکسان وجود دارد                           | ۰/۶۰                   |                         |                      |                            |
| ۱۳   | همه مردم، بدون نگرانی می‌توانند از حکومت انتقاد کنند                           | ۰/۵۶                   |                         |                      |                            |
| ۱۴   | اهمیت زندگی در ایران   | ۰/۸۹                   |                         |                      |                            |
| ۱۵   | اهمیت داشتن تابعیت ایرانی  | ۰/۸۹                   |                         |                      |                            |
| ۱۶   | اهمیت احترام به دولت و قوانین جمهوری اسلامی ایران                              | ۰/۷۶                   |                         |                      |                            |

### شدت احساس شهروندی در ابعاد چهارگانه

برای توصیف میزان و شدت احساس شهروندی در ابعاد چهارگانه، نمره هر عامل برحسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ محاسبه و آماره‌های آن در جدول شماره ۳ درج گردیده است. ذیل به چند نتیجه عمده آن اشاره می‌گردد:

نکته اول این‌که در حالی‌که میانگین احساس شهروندی در دو بعد احساس برابری مشارکتی (۴۹) و فرصتی (۵۰/۴) در حد متوسط و در بعد برابری توزیعی کمتر از حد متوسط (۴۶/۹)

۱. در پرسشنامه مربوط، در مقدمه گویه‌های ردیف ۱ تا ۱۳ عبارت «در جامعه فعلی ایران...» قرار داشته که در جدول به قرینه حذف گردیده است. به علاوه پاسخ سؤالات مذکور نیز دارای ۵ گزینه از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف بوده است.

است، احساس هویت سیاسی (۷۷) در حد بالاست. این تفاوت تا حدی بر این معنا دلالت دارد که با وجود ضعف احساس شهروندی که می‌تواند ناشی از ضعف عملکرد حکومت تلقی شود، وفاداری سیاسی در ایران محفوظ مانده و پاسخ‌گویان در کل، عملکرد حکومت را از خود حکومت جدا کرده‌اند.

نکته دوم این است که اگرچه پراکندگی احساس شهروندی در ابعاد چهارگانه پائین است، لکن میزان این پراکندگی در مورد احساس هویت سیاسی (۱۷/۱) نسبت به سایر ابعاد شهروندی بیشتر است. تفاوت پراکندگی مذکور نیز تا حدی می‌تواند حاکی از حالت پیش‌گفته یعنی تفاوت حالت دو دسته پاسخ‌گویان باشد: کسانی که در عین احساس ضعیف شهروندی در ابعاد فرصتی، توزیعی و مشارکتی، وفاداری سیاسی بالایی از خود نشان داده‌اند و کسانی که احساسات سه‌گانه شهروندی و وفاداری سیاسی آن‌ها هم‌سوی با هم ظاهر شده است. برای دسته اخیر دشوار آمده که در عین ارزیابی ضعیف از عملکرد دولت در تأمین حقوق شهروندی، احترام دولت را برای خود محفوظ نگه دارند.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی ابعاد احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران

| آماره‌ها به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ |         |       | تعداد پاسخ معتبر | ابعاد شهروندی        |               |
|--------------------------------|---------|-------|------------------|----------------------|---------------|
| انحراف معیار                   | میانگین | میانه |                  |                      |               |
| ۱۴/۸                           | ۵۰/۴    | ۴۹/۹  | ۱۳۷۹۹            | فرصتی                | احساس         |
| ۱۴/۱                           | ۴۶/۹    | ۴۶/۸  | ۱۳۷۹۹            | توزیعی               | برابری قانونی |
| ۱۳/۶                           | ۴۹      | ۴۹/۳  | ۱۳۷۹۹            | احساس برابری مشارکتی |               |
| ۱۷/۱                           | ۷۷      | ۸۱/۵  | ۱۳۷۹۹            | احساس هویت سیاسی     |               |

### مقایسه احساسات چهارگانه شهروندی در بین رده‌های مختلف اجتماعی

میانگین احساسات چهارگانه شهروندی با استفاده از آزمون آماری مقایسه میانگین‌ها و تحلیل واریانس در بین رده‌های مختلف جنسی، سنی، تحصیلی و... به شرح جدول شماره ۴ مورد مقایسه قرار گرفته است. در این مقایسه، قابل اعتنا بودن (+) یا نبودن (-) تفاوت میانگین احساس شهروندی در بین رده‌های مورد بررسی، با استفاده از آماره «سطح معناداری» مشخص گردیده است. چنانچه سطح معناداری کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵ باشد معنایش این خواهد بود که تفاوت مشاهده شده میانگین احساس شهروندی در نمونه مورد

بررسی، با حداکثر ۵ درصد خطا یا ۹۵ درصد اطمینان در جامعه آماری (جمعیت مراکز استان‌های کشور) نیز قابل مشاهده خواهد بود. اما از آنجا که حجم نمونه بالاست و تفاوت اندک میانگین در بین رده‌ها، به لحاظ آماری عمدتاً معنی‌دار می‌گردد، لذا علاوه بر شاخص معناداری تفاوت‌ها، اندازه تأثیر رده‌بندی‌های اجتماعی بر احساس شهروندی (مجذور اتا) در ذیل آماره سطح معناداری در جدول شماره ۴ درج گردیده است. نتایج عمده شامل موارد زیر می‌باشد:

● میانگین احساس برابری فرصتی در انواع رده‌بندی‌های اجتماعی به استثنای رده‌بندی تأهل، تفاوت معناداری با یکدیگر دارد و با خطایی کمتر از ۵ درصد، تفاوت مشاهده شده را می‌توان به جامعه آماری (مراکز استان‌های کشور) نیز تعمیم داد. اگرچه در مجموع تأثیر رده‌بندی‌ها بر احساس برابری فرصتی پائین است لکن در این میان تأثیر رده‌بندی تحصیلی و قومی بر احساس برابری فرصتی بیش از سایر رده‌بندی‌هاست.

● تفاوت میانگین احساس برابری توزیعی در بین رده‌های مختلف اجتماعی به استثنای رده‌بندی‌های تحصیلی و قومی، معنادار است و با خطایی کمتر از ۵ درصد، تفاوت مشاهده شده را می‌توان به جامعه آماری (مراکز استان‌های کشور) تعمیم داد. با این حال در عین معنادار بودن تفاوت‌ها، تأثیر رده‌بندی‌های مذکور بر احساس برابری توزیعی به‌طور کلی خیلی ضعیف است.

● تفاوت میانگین احساس هویت سیاسی در بین رده‌های مختلف اجتماعی معنادار بوده و با خطایی کمتر از ۵ درصد، تفاوت مشاهده شده را می‌توان به جامعه آماری (مراکز استان‌های کشور) تعمیم داد. در بین رده‌بندی‌های مختلف به ترتیب تأثیر رده‌بندی وضع فعالیت، تحصیلی، سنی و وضع تأهل بیش از تأثیر سایر رده‌بندی‌هاست.

● همچنین تفاوت میانگین احساس برابری مشارکتی در بین رده‌های مختلف اجتماعی به استثنای رده‌بندی‌های تحصیلی، مذهبی و وضع فعالیت معنادار بوده و با خطایی کمتر از ۵ درصد، تفاوت مشاهده شده را می‌توان به جامعه آماری (مراکز استان‌های کشور) تعمیم داد. اما در عین معنادار بودن تفاوت‌ها تأثیر رده‌بندی‌های مذکور بر احساس برابری مشارکتی در مجموع خیلی ضعیف می‌باشد.

جدول ۴. تفاوت میانگین احساس شهروندی در بین رده‌های مختلف اجتماعی<sup>۱</sup>

| متغیر      | رده‌ها   | تعداد پاسخ معتبر | میانگین احساس | سطح معنی داری تفاوت میانگین | میانگین احساس | سطح معنی داری تفاوت میانگین توزیعی | سطح معنی داری تفاوت میانگین | احساس هویت سیاسی | سطح معنی داری تفاوت میانگین | میانگین احساس | سطح معنی داری تفاوت میانگین مشارکتی | سطح معنی داری تفاوت میانگین |
|------------|----------|------------------|---------------|-----------------------------|---------------|------------------------------------|-----------------------------|------------------|-----------------------------|---------------|-------------------------------------|-----------------------------|
| جنس        | مرد      | ۷۱۵۷             | ۵۰            | (+)۰/۰۰۱                    | ۴۷/۸          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۵/۸                        | ۴۹/۱             | (-)۰/۸۶                     | ۴۹            | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۹/۱                        |
|            | زن       | ۶۶۳۵             | ۵۰/۸          | (-)۰/۰۰۳                    | ۴۶/۱          | (-)۰/۰۰۶                           | ۷۸/۲                        | ۴۹               | ۰/۰۰۱                       | ۴۹            | (-)۰/۰۰۷                            | ۴۹                          |
| سن         | ۱۵-۲۴    | ۵۰۳۳             | ۵۰/۷          | (+)۰/۰۰۲                    | ۴۷/۶          | (+)۰/۰۰۱                           | ۷۴/۹                        | ۴۸/۷             | (+)۰/۰۰۲                    | ۴۸/۷          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۸/۷                        |
|            | ۲۵-۳۴    | ۳۲۰۸             | ۴۹/۸          | (-)۰/۰۰۳                    | ۴۶/۵          | (-)۰/۰۰۴                           | ۷۶/۶                        | ۴۸/۹             | (-)۰/۰۰۳                    | ۴۹/۳          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۸/۹                        |
|            | ۳۵-۴۴    | ۲۴۷۲             | ۴۹/۸          | (-)۰/۰۰۳                    | ۴۶/۴          | (-)۰/۰۰۴                           | ۷۷/۹                        | ۴۹/۷             | (-)۰/۰۰۳                    | ۴۹/۷          | (-)۰/۰۱۲                            | ۴۹/۷                        |
| تاهل       | مجرد     | ۵۳۱۱             | ۵۰/۵          | (-)۰/۰۰۵                    | ۴۷/۵          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۴/۵                        | ۴۸/۶             | (+)۰/۰۰۳                    | ۴۸/۶          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۸/۶                        |
|            | متاهل    | ۸۴۷۴             | ۵۰/۴          | (-)۰/۰۰۶                    | ۴۶/۶          | (-)۰/۰۰۳                           | ۸۸/۶                        | ۴۹/۳             | (-)۰/۰۰۳                    | ۴۹/۳          | (-)۰/۰۱۱                            | ۴۹/۳                        |
| تحصیل      | زیردیپلم | ۴۲۳۱             | ۵۱/۷          | (-)۰/۰۰۷                    | ۴۷/۲          | (-)۰/۰۰۷                           | ۷۹/۶                        | ۴۸/۸             | (-)۰/۰۰۱                    | ۴۸/۸          | (-)۰/۰۱۳                            | ۴۸/۸                        |
|            | دیپلم    | ۵۸۷۰             | ۵۰/۸          | (-)۰/۰۰۲                    | ۴۷            | (-)۰/۰۰۲                           | ۷۵/۸                        | ۴۸/۹             | (-)۰/۰۰۲                    | ۴۸/۹          | (-)۰/۰۱۳                            | ۴۸/۹                        |
| مذهب       | شیعه     | ۱۲۹۶۳            | ۵۰/۳          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۶/۹          | (+)۰/۰۰۳                           | ۷۷/۳                        | ۴۹               | (-)۰/۰۰۹                    | ۴۹            | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۹                          |
|            | سنی      | ۷۷۹              | ۵۳/۲          | (-)۰/۰۰۵                    | ۴۸            | (-)۰/۰۰۲                           | ۷۲/۹                        | ۴۹/۹             | (-)۰/۰۰۲                    | ۴۹/۹          | (-)۰/۰۰۶                            | ۴۹/۹                        |
| وضع فعالیت | شاغل     | ۴۷۲۴             | ۴۹/۶          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۷/۳          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۶/۶                        | ۴۸/۹             | (+)۰/۰۰۳                    | ۴۸/۹          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۸/۹                        |
|            | بیکار    | ۱۷۳۱             | ۵۱/۳          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۶/۹          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۵/۳                        | ۴۸/۸             | (+)۰/۰۰۳                    | ۴۸/۸          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۸/۸                        |
|            | خانه‌دار | ۳۹۷۳             | ۵۱/۲          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۵/۹          | (+)۰/۰۰۰                           | ۸۰/۱                        | ۴۸/۹             | (+)۰/۰۰۳                    | ۴۸/۹          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۸/۹                        |
| قومیت      | محصل     | ۲۶۳۱             | ۵۰/۵          | (-)۰/۰۰۵                    | ۴۷/۹          | (-)۰/۰۰۵                           | ۷۳/۵                        | ۴۸/۹             | (-)۰/۰۰۲                    | ۴۸/۹          | (-)۰/۰۱۴                            | ۴۸/۹                        |
|            | بازنشسته | ۷۰۷              | ۴۹/۴          | (-)۰/۰۰۵                    | ۴۷/۷          | (-)۰/۰۰۵                           | ۸۰/۳                        | ۴۸/۷             | (-)۰/۰۰۲                    | ۴۸/۷          | (-)۰/۰۱۴                            | ۴۸/۷                        |
| قومیت      | بلوچ     | ۲۴۵              | ۵۸/۳          | (+)۰/۰۰۰                    | ۵۱/۳          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۷/۹                        | ۴۹/۱             | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۹/۱          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۹/۱                        |
|            | ترک      | ۳۰۰۷             | ۵۰/۴          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۶/۵          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۷/۲                        | ۴۹/۸             | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۹/۸          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۹/۸                        |
|            | کرد      | ۱۴۴۷             | ۵۰/۲          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۵/۴          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۳/۲                        | ۴۹/۸             | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۹/۸          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۹/۸                        |
|            | لر       | ۱۰۴۸             | ۵۳/۵          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۷/۴          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۶/۳                        | ۴۹/۹             | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۹/۹          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۹/۹                        |
|            | عرب      | ۲۸۴              | ۵۶/۳          | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۸/۲          | (+)۰/۰۰۰                           | ۷۷/۳                        | ۴۹/۹             | (+)۰/۰۰۰                    | ۴۹/۹          | (+)۰/۰۰۰                            | ۴۹/۹                        |
| فارس       | ۷۴۷۳     | ۴۹/۵             | (+)۰/۰۰۰      | ۴۷                          | (+)۰/۰۰۰      | ۷۷/۷                               | ۴۸/۶                        | (+)۰/۰۰۰         | ۴۸/۶                        | (+)۰/۰۰۰      | ۴۸/۶                                |                             |

### بحث و نتیجه‌گیری

چنان‌که در مباحث نظری بیان شد در مفهوم‌سازی شهروندی تأکید عمده بر رابطه فرد و دولت است و برحسب این‌که ارتباط مذکور براساس چه قواعدی تنظیم شده باشد، شهروندی تحقق پیدا می‌کند. در این میان دو قاعده مساوات‌طلبانه در تنظیم رابطه فرد و دولت و تحقق

۱. در ستون سطح معناداری و در ردیف هر متغیر عدد بالایی مقدار معناداری تفاوت میانگین در بین رده‌های ذیربط و عدد پایینی میزان تأثیر رده‌بندی مذکور بر احساس شهروندی (مجذور اتا) را نشان می‌دهد.



شهروندی سهم اساسی دارند: یکی عام‌گرایی به معنای اولویت هنجارهای عام بر هنجارهای خاص و دیگری هنجار موفقیت که به معنای اولویت دادن ملاک‌های محقق‌ی بر ملاک‌های محولی است.

در این معنا می‌توان گفت شهروندی تنها در پرتو رابطه مساوات طلبانه و عادلانه دولت با افراد محقق می‌شود. به علاوه رابطه فرد و دولت دو سویه است، این رابطه از یک سو متضمن وفاداری فرد به دولت و از سوی دیگر مستلزم حمایت دولت از فرد است. وفاداری فرد به دولت از طریق احترام به دولت و انجام تعهدات مدنی و همچنین برخورداری از هویت ملی و حمایت دولت از فرد نیز از طریق تأمین حقوق مدنی به ویژه تأمین برابری قانونی و مشارکتی حاصل می‌شود. بر این اساس برای شهروندی سه وجه اساسی می‌توان قائل شد که عبارتند از «هویت سیاسی، برابری مشارکتی و برابری قانونی».

اما تحلیل ثانویه داده‌های شهروندی در مراکز استان‌های ایران نشان داد که:

۱. اولاً این مفهوم در سطح تجربی یا ذهنیت اجتماعی به جای سه بعد پیش‌گفته، دارای چهار بعد است و برابری قانونی به دو بعد مجزای توزیعی و فرصتی تقسیم می‌گردد. همچنین برآورد اعتبار سازه مدل تجربی مذکور با استفاده از روش لیزرل و آماره‌های نیکویی برآزش ( $GFI=0.81$ ،  $CFI=0.9$ ،  $NFI=0.9$ )، مؤید مدل چهار عاملی مفهوم شهروندی است.
۲. این ابعاد از حیث سهمی (میزان سهم در تبیین واریانس) که در تشکیل مفهوم شهروندی دارند به ترتیب عبارتند از: احساس برابری فرصتی (۲۳/۹)، احساس برابری توزیعی (۱۴/۴)، احساس هویت سیاسی (۱۴/۲) و سپس احساس برابری مشارکتی (۱۳/۶).
۳. از لحاظ شدت احساس شهروندی در حالی که میانگین احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری مشارکتی (۴۹)، فرصتی (۵۰/۴) و توزیعی (۴۶/۹) که باز نمود عملکرد دولت است، در حد متوسطی است و احساس هویت سیاسی (۷۷) در بین مردم بالاست.<sup>۱</sup>
۴. مقایسه احساسات چهارگانه شهروندی در رده‌های مختلف اجتماعی کشور این معنا را نشان می‌دهد که شدت این احساسات در بین رده‌های مختلف قومی، مذهبی، تحصیلی، شغلی و... نزدیک به یکدیگر است و به‌طور کلی تأثیر رده‌بندی‌های اجتماعی بر احساسات شهروندی ضعیف است لکن در اغلب موارد اندک تفاوت موجود در بین رده‌ها نیز از لحاظ آماری معنادار و قابل تعمیم به کل جامعه (مراکز استان‌ها) است. در یک

۱. البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که در بین عناصر هویت سیاسی میانگین وفاداری به دولت (۷۹/۲)، کمتر از میانگین وفاداری به اجتماع ملی (۸۴/۵) است. (طرح انسجام اجتماعی در ایران، ۱۳۸۴).

مقایسه کلی در بین رده‌بندی‌های مختلف، تأثیر رده‌بندی تحصیلی بر احساس برابری فرصتی، رده‌بندی جنسیتی بر احساس برابری توزیعی، رده‌بندی فعالیت بر احساس هویت سیاسی و تأثیر رده‌بندی قومی بر احساس برابری مشارکتی بیش از سایر رده‌بندی‌هاست.

از بین یافته‌ها و نکات پیش‌گفته شاید دو نکته بیشتر قابل تأمل باشد: نخست ضعف احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری فرصتی (۵۰/۴)، توزیعی (۴۶/۹) و مشارکتی (۴۶/۹) است، این در حالی است که عناصر سه‌گانه مذکور از مهم‌ترین ذخائر مشروعیت مدنی حکومت محسوب می‌شوند و کسری تدریجی این ذخائر می‌تواند حکومت را با چالش مشروعیت روبه‌رو سازد.

نکته دیگر بالا بودن احساس هویت سیاسی (۷۷) در شرایط ضعف احساسات سه‌گانه شهروندی است. در حالی که ضعف احساسات شهروندی عمده‌تأ ناشی از ضعف عملکرد حکومت در تأمین حقوق شهروندی است و انتظار می‌رود وفاداری به دولت را کاهش دهد، بالا بودن وفاداری در چنین شرایطی تنها می‌تواند بر این معنا دلالت داشته باشد که، ذخائر مشروعیت دیگری وجود دارد که احساس هویت و وفاداری سیاسی را محفوظ نگه می‌دارد و مردم عملکرد حکومت یا حاکمان را از خود حکومت جدا می‌کنند. نتیجه مذکور مؤید نتایج تحقیق مشابهی است که نشان می‌دهد اولاً میانگین اعتماد به بازیگران سیاسی در ایران (۳۹) کمتر از میانگین عقیده به مشروعیت سیاسی دولت (۵۱) است (یوسفی، ۱۳۸۰) و ثانیاً میانگین عقیده به مشروعیت مدنی دولت (۴۳/۲)، کمتر از عقیده به مشروعیت دینی (۶۲/۲) آن است. این در حالی است که این دو عقیده، ذخیره مشروعیت دولت را شکل می‌دهند (یوسفی، ۱۳۸۳).

به نظر می‌رسد تنها راه حل تقویت احساسات شهروندی و جبران کسری ذخائر مشروعیت مدنی، تقویت عملکرد مدنی دولت و تنظیم رابطه دو سویه دولت و شهروندان براساس دو قاعده عام‌گرایی و هنجار موفقیت است. بر مبنای قاعده نخست لازمه شهروندی این است که دولت هنجارهای عام از جمله قوانین را بر هنجارهای خاص یا هر ملاحظه دیگری مقدم بشمارد و بر مبنای قاعده دوم هنجارهای موفقیت و عملکردی را اساس تحرک و کسب فرصت اجتماعی قرار دهد.

### منابع

- ایمانیان اردبیلی مسعود، مریم اسکافی (۱۳۸۶) **بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی**، قوچان، گزارش پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) **دموکراسی و سنت‌های مدنی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- توسلی، غلامعباس، سید محمود نجاتی حسینی (۱۳۸۳) «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۲: صص ۳۲-۶۲.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۰) «اخلاق شهروندی: رابطه هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگرخواهانه»، **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، ش ۵: صص ۶۱-۸۰.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱) «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، ش ۳: صص ۶۰-۸۰.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) **وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران**، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱) «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»، **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی سال پنجم**، ش ۱۸: ۴۱-۶۴.
- فیتزپاتریک، تونی (۱۳۸۱) **نظریه رفاه**، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات گام نو و مؤسسه عالی. قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۷) «ارزیابی اعتبار سازه‌ای: نخستین گام ضروری در مطالعات بین فرهنگی»، **نامه علوم اجتماعی شماره ۱۲**: صص ۱۰۷-۱۳۵.
- قاعدی (۱۳۸۵) **تربیت شهروندی**، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.
- کلاین، پل (۱۳۸۰) **راهنمای آسان تحلیل عاملی**، ترجمه دکتر سیدجلال صدرالسادات و اصغر مینایی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- کلمن، جیمز اس (۱۳۸۰) **نشانگان توسعه: انفکاک ساختاری-برابری-ظرفیت**، در کتاب پای لوسین و دیگران، **بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی**، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، محمود (۱۳۸۶) **بررسی روش‌های تحقق آموزش همگانی شهروند**، مشهد: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد (چاپ نشده).
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۳) «نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی»، **فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی**، ش ۷: صص ۳۳-۵۸.
- لطف‌آبادی، حسین، وحیده نوری (۱۳۸۳) «بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران و جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان»، **فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی**، ش ۹: صص ۸۸-۱۱۹.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵) «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان»، **فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی**، ش ۱۷: صص ۱۱-۴۲.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۷۸) «نگرشی تحلیلی به چالش‌های حقوقی نظام مدیریت شهری (بخش اول)»، **ماهنامه شهرداری‌ها**، ش ۲: صص ۳۲-۳۵.

- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۵) «جایگاه شهروندی، در گفتمان شوراهای اسلامی»، *ماهنامه شوراها*، ش ۵: صص ۱۴-۱۶.
- نجاتی حسینی، سید محمود (الف) (۱۳۸۰) «جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت»، *فصلنامه مدیریت شهری*، ش ۵: صص ۷-۱۵.
- نجاتی حسینی، سید محمود (ب) (۱۳۸۰) *بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران*، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۰) *تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری*، تهران: نشر پارسا.
- یوسفی، علی (۱۳۸۳) «تأملی مسئله‌گرا در نتایج سنجش مشروعیت دولت در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳، دانشگاه فردوسی مشهد: صص ۵۷-۸۵.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰) *بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر مشهد، تهران و یزد*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی سیاسی تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- Alexander, J. & S. Sidman (1995) *The New Social Theory: Reader Contemporary Databates* Routledge.
- Aristotel (1981) *The Politics*, ed Ernest Barker. Oxford: Oxford University Press.
- Bellah, R, F. Madsen, w.m Sullivan, A. Swidler & S.M. Tipton (1985): *Habits Of The Heart, Individualism and Commitment in American Life*. New York: Harper and Raw.
- Bendix, R. (1961) *Nation-Building and Citizenship Studies of Our Changing Social Order*. Enlarged ed. New Brunswick Nj: Transaction Publishers.
- Browne, M. W. & R. Cudeck (1993) *Alternative Ways of Assessing Model Fit. In Testing Structural Model Equation*, (eds) Bollen. Kenneth A & Long, J. Scott: Sage Publications.
- Brubaker, R. (1992) *Citizenship and Nationhood in France and Germany*. Ma: Harvard University Press.
- Cohen, Jean L. (1999) Changing Paradigms of Citizenship and The Exclusiveness Of The Demos. *International Sociology*;, Voll 4 (3): 245-268.
- Coleman J.S, Leonard Binder, Joseph La Palombara, Lucian W. Pye, Sidney Verba, Myron Weiner (1971) *Crises And Sequences In Political Development*. Princeton, N. J: Princeton University Press.
- Etzioni, A. (1993) *The spirit Of community: the reinvention Of American society*. New York: Touchstone.
- Frey, Bruno (2003) Flexible Citizenship For a Global society. *Politics, Philosophy and Economics*, 2(1): 93-114.
- Galstone, W. (1991) *Liberal purposes: Goods, Virtues And Diversity In The Liberal State*.

- Cambridge: Cambridge University Press.
- Janoski, T. (1997) *Citizenship And Civil Society A Framework Of Rights And Obligations In Liberal Traditional And Social Democratic Regimes*: Cambridge University Press.
- Marshall, T.H. (1964) *Class, Citizenship and Social Development*. Garden City, NY: Doubleday.
- Pocock, J.G.A. (1995) The Idea of Citizenship Since Classical times, in R. Biner (ed). *Theorizing Citizenship*: pp 29-53. Albany, NY: Suny Press.
- Rokkan S. (1966) Norway Numerical Democracy and Corporate Pluralism In R. A. Dahl (ed), *Political Opposition in Western Democracies*: Yale University Press.
- Shklar, J. (1995) *American Citizenship*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Tilly C. (1995) Citizenship, Identity and Social History. *International Review of Social History* 40 (Supplement3): 1-17
- Turner, B.S. (1986) *Citizenship and Capitalism*. London: Allen And Unwin.
- Turner, B.S. (1990) Outline of a Theory of Citizenship. *Sociology*. N24 (2): 189-217, Sage.
- Turner, B.S. (1993) Contemporary problems in the theory of citizenship in B Turner ed *Citizenship and social theory*. London: sage
- Waldron, J. (1995) *Minority Cultures and the Cosmopolitan Alternative in Will Kymlicka (ed) The Rights of Minority Cultures*. Oxford: Oxford University Press.
- Walzer, M. (1983) *Spheres of Justice*. New York: Basic Books.
- Wuthnow, R. (1991) *Between State and Market: The Voluntary Sector in Comparative Perspective*: Princeton University Press.

علی یوسفی، استادیار جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد است (نویسنده مسئول).  
Yousofi@um.ac.ir

مژگان عظیمی‌هاشمی، مربی پژوهش جهاد دانشگاهی مشهد و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه در دانشگاه فردوسی مشهد است.  
mozhgan.azimi@yahoo.com